

درس ششم

سنت‌های خداوند

در درس قبل، با حقیقت اختیار و رابطه آن با قضا و قدر الهی آشنا شدیم و دانستیم که قانون‌مندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، تجلی تقدیر الهی و زمینه‌ساز حرکت و پویایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار او می‌شود. در این درس می‌خواهیم با برخی از قانون‌ها و سنت‌های الهی که در زندگی انسان تأثیر بیشتری دارند، آشنا شویم تا با توجه به آنها برنامه‌ریزی کنیم و راه موفقیت را هموارتر سازیم.



.....

فَدَخَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ
 فَاسِيرُوا فِي الْأَرْضِ
 فَانظُرُوا
 كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ
 آل عمران، ۱۳۷

آیا مردم می‌بندارند رها می‌شوند؛
 همین که گویند ایمان آوردیم،
 و آزمایش نمی‌شوند؟

أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا
 أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا
 وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ
 عنکبوت، ۲

کمک می‌کنیم هم به اینان (نیکوکاران)
 هم به آنان (بدکاران)
 از عطای پروردگارت
 و عطای پروردگارت منعی ندارد

كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ
 وَهَؤُلَاءِ
 مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ
 وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا
 اسراء، ۲۰

آنان که کفر پیشه کرده‌اند تصور نکنند
 اگر به آنان مهلت (بدکاری) می‌دهیم
 به نفع آنهاست
 فقط به این خاطر به آنان مهلت می‌دهیم
 که بر گناهان خود بیفزایند
 درحالی که عذابی خوارکننده برای آنهاست

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
 أَنَّ مَّا نُمَلِّئُهُمْ
 خَيْرًا لَأَنفُسِهِمْ
 إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ
 لِيَرُدَّادُوا إِلَيْنَا
 وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ
 آل عمران، ۱۷۸

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
 سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
 مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ
 وَأُمْلِي لَهُمْ
 إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ
 اعراف، ۱۸۲ و ۱۸۳

و کسانی که آیات ما را انکار کردند
 به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد
 از آن راه که نمی دانند
 و به آنها مهلت می دهیم
 همانا تدبیر من استوار است

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ
 فَلَهُ وَعَشْرُ امثالِهَا
 وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ
 فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا
 وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
 انعام، ۱۶۰

.....

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا
 وَاتَّقَوْا
 لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم
 بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
 وَلَٰكِن كَذَّبُوا
 فَأَخَذْنَاهُم
 بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
 اعراف، ۹۶

اگر مردم شهرها ایمان آورده
 و به تقوا گراییده بودند،
 همانا برایشان می گشودیم
 برکاتی از آسمان و زمین
 ولی تکذیب کردند
 پس آنان را گرفتار ساختم
 به کيفر آن چه کسب کردند

سُنَن : سنت‌ها
 لَنَهْدِيَنَّهُمْ : حتماً آنان را هدایت می‌کنیم
 يُجْزَى : جزا داده شود

خَلَّت : گذشت
 سَيَّرُوا : جستجو کنید، بگردید
 جَاءَ بِ : آورد، بیاورد



با تفکر در آیات، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.

۱- حیات فردی و اجتماعی انسان دارای است.

سوره / آیه.....

۲- با مطالعه زندگی می‌توان این به‌دست آورد.

سوره / آیه.....

۳- هرکس ادعای ایمان کند، قرار می‌گیرد. سوره / آیه.....

۴- خداوند به کافران مهلت می‌دهد و آنان از این مهلت
سوره / آیه.....

سوره / آیه.....

۵- برخی انسان‌ها به تدریج گرفتار می‌شوند. سوره / آیه.....

۶- مطابق با الهی، میان پاداش و جزا وجود دارد.

سوره / آیه.....

۷- مطابق با الهی، رفتار خوب یا بد انسان‌ها تأثیر دارد.

سوره / آیه.....

سنت‌های الهی

بر اساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانون‌مندی است و پدیده‌های جهان در دایره قوانین خاصی حرکت می‌کنند و مسیر تکاملی را می‌پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را هم دربر می‌گیرد. قرآن کریم از این قوانین با عنوان «سنت‌های الهی» یاد کرده و انسان‌ها را به شناخت آنها، به‌خصوص سنت‌های مربوط به زندگی انسان‌ها دعوت نموده است.

شناخت قوانین جهان خلقت سبب آشنایی ما با نشانه‌های الهی و درک عظمت خالق آنها و نیز بهره‌مندی از طبیعت می‌شود. اما شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، موجب تنظیم درست رابطه انسان با خود، دیگران، جهان خلقت و خداوند می‌گردد و راه رسیدن به کمال را هموار می‌کند. برخی از این سنت‌ها عبارتند از:

۱- امتحان و ابتلاء: این سنت، مربوط به چگونگی و فرایند رشد و تکامل انسان و عامل ظهور و بروز استعدادهای اوست. هر انسان انتخابگری برای این که نیت و تمایل درونی خود را نشان دهد و نتیجه آنچه را برگزیده است، آشکارا مشاهده کند، همواره در معرض امتحان و آزمایش

هستند و برای آن می‌دوند، آن را به دست می‌آورند. البته اینان عواقب زیانبار این تصمیم را در آخرت مشاهده خواهند کرد.^۱ بنابراین روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناه‌کار نشانه‌ی مورد لطف خدا قرار گرفتن آنان نیست. زیرا از نعمت بی‌پایان الهی محروم مانده‌اند. پیام شماره

۳- توفیق الهی: امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با نیت پاک، قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند، «توفیق الهی» نام دارد. یعنی همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می‌دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان‌تر به مقصد برسد.

یکی از جلوه‌های این توفیق، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است. خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند، دست او را می‌گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد.

پیام شماره

در حقیقت، انسان حق‌گرا، خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است، هماهنگ کرده و در نتیجه نظام خلقت به او کمک می‌کند و یک قدمش به اندازه ده‌ها قدم نتیجه می‌دهد. برای مثال، قرآن کریم وعده می‌دهد که بیست نفر یا صد نفر انسان تقوایی و شکیبا بر دویست نفر یا هزار نفر از کفار پیروز می‌شوند.^۲

۴- املاء و استدراج: آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق عناد و دشمنی می‌ورزند، خداوند به آنها مهلت و فرصت زندگی می‌دهد ولی آنها این فرصت را وسیله غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند؛ به طوری که اگر در ابتدا اندک امیدی وجود داشت که نور حقیقی در دل آنها بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار خواهند شد. در حقیقت، مهلت‌ها و امکانات، با اختیار و اراده خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده و باعث می‌شود که بار گناهان آنان هر روز سنگین و سنگین‌تر شود. این سنت، که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی گناه‌کاران است، سنت «املاء» یا «امهال»^۳ نام دارد.

پیام شماره

گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن، بر امکانات گمراهان می‌افزاید و آنها با استفاده از همین امکانات، و با اصرار خود بیشتر در فساد فرو می‌روند و قدم به قدم از انسانیت فاصله گرفته، و به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک‌تر می‌شوند. چنین حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی را سنت «استدراج» می‌خوانند.

پیام شماره

۱- اسراء، ۱۸ تا ۲۰

۲- انفال، ۶۵

۳- املاء و امهال به معنای مهلت دادن است.



* برخی از مردم که با سنت‌های الهی آشنایی ندارند، روی آوردن امکانات به گناهکاران را چگونه تحلیل می‌کنند؟ و دچار چه حالتی می‌شوند؟

اما درک درست این موضوع، ما را به سوی چه تحلیلی هدایت می‌کند؟

۵- تفاوت در پاداش و کیفر: با آنکه براساس عدل، خداوند باید به همهٔ بندگان براساس میزان اعمالشان پاداش یا جزا دهد، اما از آن‌جا که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می‌کند، کار نیک را چند برابر و کار بد را فقط به اندازهٔ خودش پاداش و جزا می‌دهد.

پیام شمارهٔ

۶- تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت: رهنمودهای پیشوایان دین به ما می‌آموزند که زندگی ما به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست. به‌طور مثال، نیکوکاری یا گناه از جمله عوامل مؤثر در طول عمر یا کوتاهی آن هستند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

کسانی که به واسطهٔ گناه می‌میرند

از کسانی که به واسطهٔ سرآمد

عمرشان می‌میرند، بیشترند.

و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی

دراز دارند،

از کسانی که به عمر اصلی زندگی

می‌کنند، بیشترند.^۱

مَنْ يَمُوتُ بِالدُّنُوبِ

أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالأَجَالِ

وَمَنْ يَعْيشُ بِالأِحْسَانِ

أَكْثَرُ مِمَّنْ يَعْيشُ بِالأَعْمَارِ

دعا نیز می‌تواند سبب بسیاری از خوبی‌ها و مانع بسیاری از بلاها گردد، البته در صورتی که دعا

با شرایط واقعی آن انجام شود و چیزی که انسان از خداوند درخواست می‌کند، در نهایت به ضرر او تمام نشود.

این سنت، یک سنت اجتماعی نیز هست. جامعه‌ای که در مسیر خوبی‌ها گام بردارد، درهای رحمت الهی را به روی خود می‌گشاید و جامعه‌ای که به گناه آلوده شود، به برخی عذاب‌ها گرفتار خواهد شد.

پیام شماره



* اکنون که با برخی از مهم‌ترین سنت‌های خداوند آشنا شدیم، لازم است برای حرکت درست در بستر این سنت‌ها و بهره‌مندی مطلوب از آنها به سؤال‌های زیر پاسخ دهیم و مطابق با پاسخ‌های خود برنامه‌ریزی کنیم.

۱- برای این‌که از سنت امتحان و ابتلاء موفق بیرون آییم چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

- الف)
- ب)
- ج)

۲- برای این‌که شکل مثبت امداد الهی نصیب شما شود و بهره‌مند از توفیق الهی گردید چه برنامه‌هایی را پیشنهاد می‌دهید؟

- الف)
- ب)
- ج)

۳- چگونه تشخیص دهیم گرفتار املاء و استدراج نشده‌ایم؟

-
-
-

چند نکته

۱- پس از جنگ صفین و در راه بازگشت از جنگ، مردی از امام علی علیه السلام، سؤال کرد، آیا رفتن به جنگ بنا بر قضا و قدر الهی بود؟

آن حضرت پاسخ داد: «آری، از هیچ تپه‌ای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نگشتید، مگر به قضا و قدر الهی.»

آن مرد پرسید: «پس رنج‌های ما در این سفر آیا به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداشی داشته باشیم؟» (این همان برداشت نادرست از قضا و قدر است که امروزه نیز گاه مشاهده می‌شود.)

امام علیه السلام فرمود: «خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ، زیرا با اراده خود رفتید؛ اجر حضور در جبهه، زیرا به اراده خویش در آنجا حضور داشتید؛ اجر بازگشت از نبرد، زیرا به اراده خود بازگشتید و در هیچ‌یک از این مراحل مجبور نبودید.»

سپس امام علیه السلام، به برداشت ناصحیح از قضا و قدر که در ذهن آن مرد بود، اشاره کرد و فرمود: «شاید از این که گفتم رفتن بنا بر قضا و قدر الهی بود، گمان کردی قضا و قدر، جبری و حتمی بود؟ اگر اعمال مردم بر این گونه بود، پاداش و مجازات، بیهوده و باطل می‌شد.»^۱

۲- یکی از مسائل طرح شده این است که «اگر خدا از قبل سرنوشت و آینده مرا می‌داند تلاش و اراده من دیگر نمی‌تواند نقشی در آینده‌ام داشته باشد. اگر من تلاشی بکنم، چون در علم خداوند شکست من آمده، تلاشم به جایی نخواهد رسید، و اگر هم علم خداوند بر موفقیتم باشد، نیازی به تلاش ندارم.»

چنین برداشتی از علم الهی، ناشی از قیاس کردن خدای متعال با انسان و کارهای اوست، که از لغزش‌گاه‌های انسان است و قرآن کریم پیوسته در این باره هشدار می‌دهد.

در این برداشت، فرض بر این بوده است که خداوند فقط پایان و نتیجه فرایند را می‌داند و از خود فرایند و حوادث آن آگاه نیست. یک کارشناس فوتبال که نتیجه یک مسابقه را می‌داند، یا معلمی که آینده یک دانش‌آموز را حدس می‌زند، براساس اطلاعات محدودی که دارند، دست به این کار می‌زنند. آن معلم نمی‌داند که این دانش‌آموز از لحظه بعد تا روز امتحان چه تصمیم‌هایی خواهد گرفت، آیا متحوّل خواهد شد یا به راه گذشته ادامه خواهد داد. اما علم خداوند این‌گونه نیست؛ او همان‌طور که پایان فرایند را می‌بیند تمام اتفاقات و تصمیم‌گیری‌های طول فرایند را هم مشاهده می‌کند، او می‌داند که مثلاً فردا آن دانش‌آموز به اختیار خود تصمیم می‌گیرد ساعات مطالعه خود را افزایش دهد، تصمیم می‌گیرد از میزان خواب خود کم کند و ده‌ها تصمیم اختیاری دیگر. همچنین می‌بیند که این تصمیم‌ها در پایان، منجر به قبولی وی خواهد شد. پس علم خداوند منحصر به نتیجه پایانی فرایند نیست، بلکه به

سلسله تصمیم‌ها و عوامل دیگر مؤثر در آن فرایند نیز متعلق است. در حقیقت، علم خداوند، براساس علم به تمام عوامل و جزئیات است، نه یک پیش‌بینی صرف درباره نتیجه.

«انتخاب» دشوارترین لحظات برای انسان است.

وقتی «لحظه انتخاب» فرا می‌رسد، وسوسه‌ها و تردیدها هم به سراغ تو می‌آیند، و آن «جلوه»‌ای را که در یک «برق معنویت» دیده‌ای، از نظر و نگاهت محو می‌سازند.



«چگونه بودن» یکی از همین انتخاب‌های دشوار است.

شخصیت تو در گرو همین تصمیم‌ها و برگزیدن‌هاست. این تویی که خمیر مایه «هستی» خود را، با دو دست «انتخاب» خویش، شکل می‌دهی و می‌سازی. یک شب، در خلوت خویش، روبه آینه حقیقت بنشین و با خودت، بی واسطه و بی‌ریا حرف بزن. تو کیستی؟ چیستی؟ کجایی؟ چه می‌کنی؟ چگونه‌ای؟ تو مختاری؛ پس ناچار باید انتخاب کنی. بزرگی آدم‌ها به بزرگی انتخاب‌های آنهاست. تو می‌خواهی بزرگ باشی یا کوچک؟ این دیگر با خودت توست، اما این را هم بدان که انتخاب تو همواره با توست، تا ابد، تا همیشه!



مرحلهٔ دوم
پایداری در
عزم



درس هفتم بازگشت

خدای متعال به حضرت داود عليه السلام فرمود:
ای داود، اگر روی گردانان از من چگونگی انتظارم برای
آنان، مدارایم با آنان و اشتیاقی مرا به ترک معصیت‌هایشان
می‌دانستند، بدون شک از شوق آمدن به سوی من می‌مردند
و بندبند وجودشان از محبت من از هم می‌گسست.^۱
تصمیم‌های جدید همواره برای تکمیل پیمان‌های قبلی و پیمودن
ادامه راه نیست. بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار
زیانباری برجای گذاشته است. این‌گونه تصمیم‌ها «توبه» نام دارد. در این درس می‌خواهیم بدانیم
توبه چیست؟ و بازگشت حقیقی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱- میزان‌الحکمه، ج ۴، محمد محمدی ری شهری، ص ۲۷۹۷

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا
أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ
ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ
يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا
نساء، ۱۱۰

فَمَنْ تَابَ
مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ
وَاصْلَحَ
فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
مائده، ۳۹

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ
وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا
فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ
سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا
فرقان، ۷۰

يَجِدِ اللَّهَ : بيابد خدا را
يُتَبَدَّلُ : تبديل می کند

سوء : کار بد
اصْلَحَ : اصلاح کرد

عبد یا آزاد

صدای ساز و آواز بلند بود. هرکس که از نزدیک آن خانهٔ باشکوه می‌گذشت، می‌توانست حدس بزند که در درون خانه چه خبر است! بساط عیش و میگساری پهن بود و جام شراب پیاپی نوشیده می‌شد.

زنی که در آن خانه خدمت می‌کرد، بیرون آمد تا زباله‌ها را در کناری بریزد. در همین لحظه مردی که آثار عبادت از چهره‌اش نمایان بود، از آنجا می‌گذشت. از آن زن پرسید:

صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟

زن گفت: آزاد. صاحب چنین خانه‌ای که بنده نیست.

آن مرد گفت: معلوم است که آزاد است. اگر بنده می‌بود حرمت مالک و صاحب خود را نگه می‌داشت و این بساط را پهن نمی‌کرد.

رد و بدل شدن این سخنان موجب شد که خدمتکار مکث زیادتری در بیرون خانه بکند. هنگامی که برگشت، اربابش پرسید: «چرا دیر آمدی؟»

خدمتکار ماجرا را تعریف کرد و گفت: «مردی با چنین وضع و هیئتی می‌گذشت و چنان پرسشی کرد و من چنین پاسخی دادم.»

شنیدن ماجرا او را چند لحظه در اندیشه فروبرد. جملهٔ «اگر بنده می‌بود، حرمت مالک و صاحب خود را نگه می‌داشت» چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. بی‌اختیار از جابرخواست و به خود مهلت کفش پوشیدن نداد. با پای برهنه به دنبال گویندهٔ سخن رفت. دوید تا خود را به وی رساند. به دست امام هفتم حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام توبه کرد و تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند. بُسْرین حارث که تا آن روز در زمرهٔ اشراف زادگان و عیاشان بود، در سِلک مردان پرهیزگار و خداپرست درآمد.^۱

انقلاب علیه خود

در میان موجودات پیرامون ما، گیاهان، به میزانی اندک، و حیوان‌ها، قدری بیشتر، می‌توانند در برابر موانع بیرونی جهت خود را تغییر دهند و مسیر حرکت را عوض کنند. اما هیچ کدام از این‌ها توانایی آن را ندارند که علیه خود و تمایلات درونی کاری انجام دهند.

انسان، تنها موجودی است که هم می‌تواند با گناه به خود ستم کند و هم علیه خواسته‌های زشت خود قیام کند و انقلاب نماید.



.....
با توجه به آنچه در سال دوم درباره «نفس اماره به بدی» و «نفس لوامه» آموخته اید،
به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱- کدام یک از آیات ابتدای درس درباره ظلم به خود می‌باشد؟

۲- چگونه انسان به خود ظلم می‌کند؟

۳- انقلاب علیه خود چگونه است؟ کدام خود علیه کدام خود انقلاب می‌کند؟
.....
.....
.....

.....
.....
.....
توانایی انقلاب علیه خود چه کاربردی دارد و در کجا باید از آن استفاده کرد؟

وجود ما با گرایش به خدا و محبت به او و گرایش به زیبایی‌ها و کمالات متعالی سرشته است. همه ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می‌کنیم و رشته محبتی را که او بر گردن ما بسته است، می‌یابیم. «خدایی» شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست. البته گرایش و شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست. او با لطف و مهربانی بی‌پایان خود همه ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته و کوچک‌ترین همت ما را با پادشاه‌های بزرگ پاسخ می‌دهد. کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.

ناسپاسی

با وجود چنین رابطه‌ای میان خالق و مخلوق، گاهی آدمی حرمت خدای خود را می‌شکند، گام در مسیر ناسپاسی می‌گذارد و خود را به گناهان آلوده می‌کند و از مسیر رستگاری دور می‌شود. گاهی نیز حرمت شکنی به تدریج افزایش می‌یابد و دامنه گناه آنچنان گسترده می‌شود که چراغ عقل و فطرت به خاموشی می‌گراید؛ در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می‌شود و آدمی، پشت به خدا، به سویی که شیطان و سوسه‌اش می‌کند، قدم برمی‌دارد.

اگر انسان هنگامی که اولین گناهان را مرتکب می‌شود، شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود را ببیند، به شدت از آن بیزاری می‌جوید و دوری می‌کند. اما پس از آن که در آن گرفتار آمد و خود



را بدان عادت داد، آن تنفر اولیه را نیز فراموش می‌کند. «توجیه» گناه و «عادت» به آن، از پرتگاه‌های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است. میزان تأثیر گناهان یکسان نیست. برخی گناهان تأثیرشان ضعیف، و برخی شدید و شدیدتر است. گناهان بزرگ به سرعت آدمی را از مسیر توحید و اخلاص خارج و گرفتار شیطان و هوس‌های شیطانی می‌کند. دروغ، ظلم به مردم، پذیرش ظلم و پشتیبانی از ظالم، کسب مال حرام، فسادهای اخلاقی، شراب‌خواری، روابط نامشروع جنسی، تهمت، ترک عبادت‌هایی چون نماز و روزه از این قبیل گناهان هستند. برخی از این‌ها، هم زندگی دنیایی فرد را تباه می‌کنند، هم در نسل‌های آینده او اثر می‌گذارند و هم عذاب‌های شدید اخروی را در پی دارند.

نکته تلخ‌تر و رنج‌آورتر، غفلت از نگاه خداوند به انسان‌ها، در هنگام ارتکاب گناه است. آیا می‌شود در زیر نگاه خدای بینا، دست به گناه آلوده کرد اما ردپایی از شرمساری و خجالت در قلب آدمی ظاهر نشود؟ چگونه جرأت می‌کنیم و چنین اجازه‌ای به خود می‌دهیم؟!

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود:

چنان از خدا خوف داشته باش که گویی او را می‌بینی. پس اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. اگر فکر کنی او تو را نمی‌بیند، کفر ورزیده‌ای و اگر بدانی که او تو را می‌بیند و در عین حال در مقابل او گناه می‌کنی، او را خوارترین بینندگان به خود قرار داده‌ای!

* حالت خود را هنگام نافرمانی‌ها و خطاهایی که گاهی مرتکب می‌شوید، بررسی کنید و ببینید:

- ۱- به کدام خطا عادت کرده‌اید و علت آن چیست؟
- ۲- آیا به آثار سوء آن خطا آشنا هستید و می‌دانید چه اثری بر جای می‌گذارد؟
- ۳- هنگام انجام آن خطا، چه حالتی در پیشگاه خداوند دارید؟



حقیقت توبه

توانایی انقلاب علیه خود که حاصل پشیمانی از گذشته است، به انسان امکان می‌دهد راه رفته را باز گردد و فرصت‌های از دست‌داده را جبران نماید. این موهبت بسیار گرانبهایی است که خداوند به بندگان هدیه کرده و دروازه رحمتی است که بر روی بندگان گشوده و نام آن را «توبه» گذاشته است. توبه یعنی بازگشت و در مورد بندگان به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان برداری از خداوند است. البته این کلمه در قرآن کریم برای خداوند هم به کار می‌رود که در این صورت، به معنای بازگشت لطف و آمرزش الهی به انسان توبه‌کار است.

در آیه ۳۹ سوره مائده تفکر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱- در این آیه چه نامی به گناه داده شده است؟

۲- چرا خداوند این نام را به گناه داده است؟

۳- برای رسیدن به مرحله آمرزش، چه مرحله‌ای باید طی شود؟



توبه و پاکی

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی‌هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست‌وشو می‌دهد. این عمل را «پیرایش» یا «تخلیه» می‌گویند.
امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

توبه دل‌ها را پاک می‌کند
و گناهان را می‌شوید!

التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ
وَتَغْسِلُ الذُّنُوبَ



به همین دلیل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

کسی که از گناه توبه کرده
مانند کسی است که گناه نکرده است.^۱

التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ
كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ

توبه نه تنها گناه را پاک می‌کند، بلکه به کمک ایمان و عمل صالح، گناهان را به حسنات تبدیل می‌سازد.

در آیات ابتدای درس تفکر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:
۱- کدام یک از این آیات دربارهٔ تبدیل گناهان به نیکی‌هاست؟



۲- با چه شرایطی این تبدیل صورت می‌گیرد؟

مراحل توبه

توبه صرفاً یک کار ظاهری و لفظی نیست، بلکه تحوّل درونی و قلبی است که آثار گناه را محو می‌کند. این تحوّل درونی بنابر کلام امام علی علیه السلام دارای مراحل زیر است:^۱

مرحلهٔ اول: پشیمانی از گذشته پشیمانی حالتی درونی است که شخص را دچار اندوه و حسرت می‌کند و شیرینی گناه را به تلخی تبدیل می‌سازد. تا وقتی شیرینی گناه در جان آدمی باقی است و از خاطرهٔ آن احساس لذت می‌کند، توبه آغاز نشده است. آمده است که یکی از پیامبران برای قبول توبهٔ فردی از بنی اسرائیل، به درگاه خداوند شفاعت کرد. خدای متعال به او فرمود: «به عزتم سوگند اگر همهٔ اهل آسمان‌ها و زمین برای وی شفاعت کنند، تا زمانی که شیرینی گناه در دلش باقی است، توبه‌اش را نپذیرم.»^۲

توبه بر لب، سُبْحه^۳ بر کف، دل پر از شوق گناه
معصیت را خنده می‌آید ز استخفار ما^۴

روشن است که اگر انسان، پس از انجام توبه، هنوز از گناه خود خوشش بیاید و از آن احساس لذت کند، در واقع هنوز پشیمان نشده و صرفاً ادعای پشیمانی کرده است. این مرحلهٔ توبه معمولاً با استغفار همراه است و انسان توبه‌کار با عبارت‌هایی مانند «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» پشیمانی خود را ابراز می‌کند.

۲- کنز العمال، ح ۱۷۴، ۱۰

۴- صائب تبریزی

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷

۳- سُبْحه: تسیب



* برای رسیدن به حالت پشیمانی پس از گناه، ابتدا پیش‌نهادهای خود را مطرح کنید و سپس پیش‌نهادهای مؤثرتر را انتخاب نمایید.

مرحله دوم: تصمیم بر تکرار نکردن گناه قدم دوم در توبه آن است که شخص تائب، تصمیم جدی بر ترک گناه بگیرد. اظهار ندامت ظاهری و گفتن کلمه استغفار، در حال تکرار مداوم گناه، نه تنها پذیرفته نیست، بلکه استغفار را بی‌خاصیت می‌کند. اثر بدتر چنین استغفاری در کلام امام رضا علیه السلام آمده که فرموده است:

الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ
وَيَفْعَلُهُ
كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ
کسی که از گناه استغفار کند
و در عین حال، انجامش دهد
مانند کسی است که پروردگارش را مسخره
کرده است.^۱



* برای اینکه حالت پشیمانی، به تصمیم و ارادهٔ محکم بر ترک گناه بینجامد، چه راه‌لهایی را پیش‌نهادهای می‌دهید؟

مرحله سوم: جبران حقوق مردم با این که با دو مرحلهٔ قبل، عادت به گناه از بین می‌رود، اما برخی از گناهان را که به حق الناس مربوط بوده، جبران نمی‌کند. از این رو فرد باید ستمی را که بر مردم کرده جبران نماید و حقوق مادی یا معنوی آنها را در حد توان ادا کند و رضایت صاحبان حق را به دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد، در حق آنان صدقه دهد و برایشان دعای خیر نماید. توجه کنیم که حقوق مردم منحصر در حقوق مادی آنها نیست، مردم بر یکدیگر حقوق معنوی هم دارند که بسیار مهم‌تر از حقوق مادی است. اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته شده، اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی‌حرمتی فرزندی شکسته شده، اگر با توزیع کتاب یا فیلم گمراه‌کننده، فساد و تباهی در جامعه گسترش یافته، اگر رفتار ناپسند برخی افراد سبب بدبینی دیگران به دین شده، در واقع حقوق معنوی افراد ضایع شده است و باید فرد توبه‌کننده با تمام وجود به جبران حقوق از دست رفته بپردازد.

۱- کافی، ج ۲، کتاب الدعاء، ص ۵۰۴

مرحله چهارم: جبران حقوق الهی حق دیگر، حق خداوند بر مردم است که مهم‌ترین آن، حق

اطاعت و بندگی اوست. توبه‌کننده باید بکوشد کوتاهی‌های خود در پیشگاه خداوند را جبران کند، برای مثال، نمازها یا روزه‌های از دست‌داده را قضا نماید و عبادت‌های ترک شده را به جا آورد. البته خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است و اگر ببیند که شخص توبه‌کار حداکثر تلاش خود را کرده و نتوانسته همه گناهان را جبران کند، بقیه موارد را خود جبران و او را عفو می‌کند.^۱

* رفتار و اخلاق خود را ارزیابی کنید و ببینید به کدام یک از حقوق خداوند و مردم کمتر توجه کرده‌اید. آنها را یادداشت کنید و برای جبران آن برنامه‌ریزی نمایید.



توبه اجتماعی

همان‌طور که توحید عبادی دو جلوه دارد، جلوه‌ای در فرد و جلوه‌ای در جامعه، توبه نیز این گونه است. آنچه تاکنون گفته شد، مربوط به توبه فردی بود. اما اگر جامعه‌ای در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شود، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی است؛ یعنی نیازمند توبه است.

انحراف‌های اولیه اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند و ماندگار نشوند. رباخواری، رشوه‌گرفتن، بی‌توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم‌پذیری و اطاعت از غیر خدا، از جمله این بیماری‌ها و انحراف‌هاست.

راه اصلاح و معالجه جامعه از این بیماری‌ها انجام دادن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است. اگر مردم در انجام این وظیفه کوتاهی کنند، گناهان اجتماعی، قوی‌تر و محکم‌تر می‌شوند و تمام سطوح جامعه را در برمی‌گیرند. در واقع اگر مردم در برابر اولین نمودهای گناه حساسیت نشان دهند و در برابر آن بایستند و بکوشند که جامعه را به وضع اعتدال باز گردانند، به آسانی می‌توانند مانع گسترش آن شوند. اما اگر مردم کوتاهی کنند و اقدامات دلسوزان جامعه به جایی نرسد و به تدریج انحراف از حق ریشه بدواند، اصلاح آن مشکل می‌شود و تلاش‌های بزرگ و فعالیت‌های ایثارگرانه می‌طلبد؛ تا آن‌جا

۱- امیرمؤمنان علیه السلام برای کسانی که بخواهند در ردیف اولیای بزرگ الهی قرار گیرند و به مقام «علیین» برسند. دو مرحله دیگر بیان می‌فرماید که عبارت است از: پنجم: گوشتی که از حرام بر تن انسان روییده، با حزن و اندوه آب شود تا پوست به استخوان بچسبد و گوشت جدید در زیر پوست روییده شود. ششم: انسان توبه‌کار، زحمت و سختی عبادت را به بدن بچسباند، هم‌چنان که شیرینی گناه را چشاندن بود.

که ممکن است نیاز باشد انسان‌های بزرگی جان و مال خود را تقدیم کنند تا جامعه را از تباهی مطلق برهانند و مانع خاموشی کامل نور هدایت شوند.

برای مثال، اگر آن زمان که امیر مؤمنان علی علیه السلام برای کوتاه کردن دست معاویه از حکومت اقدام کرد، مسلمانان به طور دسته‌جمعی از ایشان حمایت می‌کردند و اگر پس از شهادت ایشان، مردم به طور همه‌جانبه از امام حسن علیه السلام پیروی می‌نمودند و اگر مردم در مقابل نصب یزید به خلافت اعتراض می‌کردند و زیر بار نمی‌رفتند، انحراف از اسلام آنقدر عمیق و گسترده نمی‌شد که لازم باشد امام حسین علیه السلام و خانواده و یارانش، برای جلوگیری از نابودی اسلام، خود را فدا کنند.

تا چه زمانی برای توبه کردن مهلت داریم؟

پاسخ این سؤال را با ذکر کلامی از امیر مؤمنان آغاز می‌کنیم؛ آن حضرت در پاسخ کسی که از او موعظه‌ای درخواست کرد، فرمود:

«از کسانی مباش که بدون عمل دل به آخرت بسته و به واسطه آرزوی طولانی، توبه را به تأخیر انداخته است؛ درباره دنیا زاهدانه سخن گوید، اما هم‌چون دنیا دوستان عمل کند...»^۱

در پاسخ به سؤال بالا می‌گوییم، گرچه تمام طول عمر ظرف زمان توبه است و تا لحظه مرگ می‌توان توبه کرد^۲، اما بهترین زمان برای توبه، دورانی است که توبه آسان‌تر و جبران گذشته راحت‌تر است. بر این اساس، باید به چند نکته توجه کنیم.

۱- از آن‌جا که دوره جوانی دوره انعطاف‌پذیری، تحوّل و دگرگونی و دوره پیری دوره کم‌شدن انعطاف، تثبیت خوی‌ها و خصلت‌ها است، اگر در دوره جوانی خصلت‌هایی در انسان پدید آمد، خارج کردن آن خصلت‌ها در پیری بسیار سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود. خصلت‌های ناپسندی که در ما پدید می‌آیند، شبیه طناب‌هایی هستند که بر پای انسان بسته می‌شوند یا شبیه تورهایی هستند که آدمی را در دام خود گرفتار می‌سازند؛ هر قدر که زمان می‌گذرد، آن طناب‌ها و تورها محکم‌تر می‌شوند و اراده آدمی ضعیف‌تر می‌گردد و پاره کردن آنها بسیار سخت و گاه نزدیک به محال می‌شود.

۲- خوش‌گذرانی در دوره جوانی به امید توبه کردن در دوران پیری، حيله خطرناک شیطان است. زیرا:

اولاً، پیری محصول کشت جوانی است. چند نفر گناه‌کار سراغ دارید که در پیری توانسته باشند

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۰، کتاب ایمان و کفر

خود را متحول سازند؟ هرکس در پیرامون خود بنگرد می‌بیند که چنین افرادی بسیار نادر و محدودند. ثانیاً، چه تعداد از آدم‌های گناه‌کار به پیری رسیده‌اند تا فرصت توبه پیدا کنند؟ ثالثاً، فریب بزرگ شیطان این است که لذت گناه را برتر از خوشی و لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه می‌دهد. آدم‌های زیرک و هوشیار، گول این فریب را نمی‌خورند. آنان که خوشی و لذت را از راه گناه جست‌وجو می‌کنند، در همان حال لذت گناه، با نگرانی‌های روحی و روانی درگیر می‌شوند که نمی‌گذارند لذت گناه کام آنان را شیرین کند. اما چون از حقیقت مطلب غافلند، برای رفع آن رنج‌های روحی و روانی، خود را سرگرم گناهان بزرگ و بزرگ‌تر می‌کنند تا این که سرانجام به‌طور کامل در منجلاب فساد غرق می‌شوند و راهی برای بیرون آمدن نمی‌یابند. اما خداوند برنامه زندگی را برای مؤمنان به گونه‌ای تنظیم کرده که هم از لذت‌های عالی معنوی برخوردار شوند و هم بی‌دغدغه گناه و به دور از رنج‌های روانی، از لذت‌های مادی و طبیعی نیز بهره ببرند.

امام خمینی رحمة الله علیه می‌گوید :

«بهارِ توبه، ایام جوانی است، که بار گناهان کمتر و کدورت قلبی و ظلمت باطنی ناقص‌تر و شرایط توبه سهل‌تر و آسان‌تر است. انسان در پیری، حرص و طمع و حب جاه و مال و طول آرزویش بیشتر است، و این به تجربه ثابت شده است و حدیث شریف نبوی شاهد بر آن است. فرض کنیم که انسان بتواند در ایام پیری به توبه قیام کند، از کجا به پیری برسد و اجل موعود، او را در سن جوانی و در حال اشتغال به نافرمانی نریاید و به او مهلت دهد؟...»



پس ای عزیز، از کیدهای شیطان بترس و در حذر باش، و با خدای خود مکر و حيله مکن که پنجاه سال یا بیشتر شهوت‌رانی می‌کنم و دم مرگ با کلمه استغفار جبران گذشته می‌کنم؛ این‌ها خیال خام است. اگر در حدیث دیدی یا شنیدی که حق تعالی بر این امت لطف فرموده و توبه آنها را تا قبل از مشاهده آثار مرگ یا خود آن قبول می‌فرماید، صحیح است؛ ولی هیبت‌ها که در آن وقت توبه از انسان سرزند؛ مگر توبه لفظ است؟! اقدام به توبه زحمت دارد؛ برگشت و عزم بر برگشت نکردن، ریاضت‌های علمی و عملی لازم دارد، ... چه بسا باشد که قبل از فکر توبه یا عملی کردن آن، اجل مهلت ندهد و انسان را با بار معصیت‌های سنگین و ظلمت بی‌پایان گناهان، از این جهان منتقل نماید. آن وقت خدا می‌داند که انسان به چه گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها دچار می‌شود ...

پس ای عزیز، هرچه زودتر دامن همت به کمر بزن و عزم رامحکم و اراده را قوی کن و

از گناهان، تا در سن جوانی هستی یا در حیات دنیایی به سر می‌بری، توبه کن و مگذار فرصت خداداد از دستت برود؛ به تسویلات^۱ شیطانی و کیدهای نفس اماره اعتنا مکن.^۲

مولوی، درباره کسی که فریب شیطان را می‌خورد و توبه را به تأخیر می‌اندازد، مثال زیر را می‌زند :



همچو آن شخصِ درشتِ خوش سَخُن
در میان ره نشاند او خارِبُن
هر دمی آن خارِبُن افزون شدی
پای خلق از زخم آن پر خون شدی
جامه‌های خَلق بدردیدی ز خار
پای درویشان بِخستی زار زار
چون به جد حاکم بدو گفت این بگن
گفت آری برکنم روزیش من
مدتی فردا و فردا وعده داد
شد درخت خارِ او محکم نهاد
گفت روزی حاکمش ای وعده کز
پیش آ در کار ما واپس مَخَر
تو که می‌گویی که فردا، این بدان
که به هر روزی که می‌آید زمان
آن درخت بد جوان‌تر می‌شود
وین کَننده پیر و مضطر می‌شود
خارِبُن در قوت و برخاستن
خارکن در پیری و در کاستن
خارِبُن هر روز و هر دم سبزتر
خارکن هر روز زار و خشک‌تر
او جوان‌تر می‌شود تو پیرتر
زود باش و روزگار خود ببر

مثنوی مولوی / دفتر دوم

۱- تسویل : اغوا کردن، به گمراهی افکندن، آراسته و زیبا جلوه دادن

۲- شرح چهل حدیث، امام خمینی (رحمة الله علیه)، ص ۲۷۳، با ساده‌سازی برخی کلمات و عبارات



-
- ۱- به آیه ۳۹ سوره مائده نگاه کنید و ببینید که در هنگام توبه، علاوه بر بازگشت انسان گناهکار چه بازگشت دیگری مطرح شده است و آن بازگشت نتیجه چیست؟
- ۲- در هر سه آیه‌ای که در ابتدای درس آمده دو صفت برای خداوند ذکر شده است. آن دو صفت کدامند؟ چه رابطه‌ای میان آن دو صفت و توبه وجود دارد؟
- ۳- مهم‌ترین ناسپاسی از خداوند چیست؟ و چه موقع انسان دست به چنین ناسپاسی می‌زند؟
- ۴- بنابر سخن امام صادق علیه السلام، برای اینکه انسان به سمت گناه نرود، باید چه دیدگاهی درباره خدا داشته باشد؟
- ۵- بنابر سخن امیر مؤمنان، چه چیزی قلب‌ها را پاک می‌کند و گناهان را می‌شوید؟
- ۶- بنابر سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شخص توبه‌کننده مانند چه کسی است؟
- ۷- آیا برای توبه کردن پیشیمانی از گذشته کافی است؟ در غیر این صورت، چه کارهای دیگری باید انجام شود؟
-



-
- * ۱- آیات ۵۰ تا ۶۰ و ۸۴ تا ۹۵ سوره هود را مطالعه کنید و ببینید که چه عاملی باعث شد قوم عاد و قوم مدین گرفتار عذاب شوند.
- ۲- مناجات التائبین را در کتاب «مفاتیح الجنان» بخوانید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:
- الف) گناه چه آثاری در وجود انسان باقی می‌گذارد؟
- ب) چه اموری است که جز خداوند، دیگری توان انجام آن را ندارد؟
- ج) خداوند چه راهی پیش پای گناهکار قرار داده که راه عذر آوردن را بر او بسته است؟
-